



مهم‌تر از آشنایی با اندیشه‌ها تمرین اندیشه‌ورزی است

# فکر کردن را تمرین کنیم

یادداشتی از دکتر صداقت‌زاده  
استاد دانشگاه

رشد واقعی انسان زمانی است که همه استعدادهایش به صورت متوازن شکوفا شود؛ مثلاً، کسی که ورزش می‌کند و برای سلامت و تقویت جسم خودش اهمیت زیادی قائل است، ولی از پرورش فکری و روحی خود غافل شده، نمی‌توان او را فردی رشدیافته دانست. یا شخصی که با ریاضت و سختی از مسیرهای خارج از قواعد دینی و شرعی سعی در کسب قدرت روحی دارد و به جسمش ظلم می‌کند نیز در مسیر کمال واقعی قرار نگرفته است. با همین معیار می‌توان گفت آموختن دانش بدون عمل همان قدر ناقص است که عمل بدون دانش.

## مهارت‌های آینده‌ساز

همه ما در زندگی خود با افرادی سروکار داشته‌ایم که اهل تفکر، دانش و استدلال هستند، ولی توانمندی و مهارت لازم را برای کار و زندگی و مدیریت ندارند؛ یا فعال و کارآمد و با تجربه هستند، اما خالی از پشتوانه فکری‌اند. این در حالی است که انسان کامل باید هم بعد فکری و نظری خودش را تقویت کند و هم بعد عملی‌اش را، هم اهل دانش باشد و هم اهل عمل. چه بسیار دانشمندانی که توان عملی‌کردن دانسته‌هایشان را نداشته‌اند و دانششان در خدمت ناهلان قرارگرفته و چه فراوان مدیرانی که به دلیل ضعف تفکر، خسارت‌های بزرگی به جامعه‌شان زده‌اند.

به همین دلیل است که باید از دوره نوجوانی به تقویت هر دو بُعد علم و عمل پرداخت و به صورت متوازن و متعادل هر دو را پرورش داد. پایه‌های توانمندی و عقلانیت را باید از همین دوره مستحکم کرد. نوجوان باید مهارت‌هایی را در خودش تقویت کند که در آینده از او یک فرد شایسته و کارآمد بسازد. ضمن اینکه نوجوان برای موفقیت به اراده قوی، درست اندیشیدن و فراگیری مستمر علم و دانش نیاز دارد.

دوره نوجوانی به دلیل تحولات جسمی و روحی، از یک سو دشواری‌هایی برای چنین پایه‌گذاری‌هایی ایجاد می‌کند و از سوی دیگر، ظرفیت فراوانی را برای این کار فراهم می‌سازد. زمانی که یک نوجوان به دنبال بازسازی هویت خود و یافتن استقلال شخصیتی است، فرصت بسیار مناسبی برای پایه‌گذاری چنین اموری است.

طبیعی است وقتی نوجوان در دوره رشد خود به دنبال بازنگری گذشته و یافتن راهی برای استقلال شخصیت است، امکان دارد نسبت به همه دانسته‌های گذشته‌اش تردید و تلاش کند درباره آنچه والدین و اطرافیانش به او منتقل کرده‌اند بیشتر بداند. این بیشتر دانستن گاهی باعث زیر سؤال بردن بخشی از گذشته می‌شود. به همین دلیل، این پرسش‌ها نیازمند پاسخ‌هایی محکم و منطقی است. او باید به سرچشمه‌ای از آگاهی متصل شود که او را قانع کند.

از سوی دیگر، پاسخ‌گویی به سوالات ذهنی نوجوان اگرچه لازم است و به او آرامش می‌بخشد، اما در صورتی می‌تواند ثمرات بلندمدت و عمیق داشته باشد که علاوه بر محتوای پاسخ، روش اندیشه‌ورزی را به او بیاموزد. به همین دلیل است که نوجوان باید تفکر را تمرین کند، نه اینکه تنها با فکر دیگران آشنا شود.

به نظر می‌رسد این ویژگی‌ها در آثار استاد شهید مطهری به وضوح قابل دستیابی است. او کسی است که تعداد زیادی از علما و بزرگان معاصر، اندیشه‌هایش را تأیید کرده و آموزنده می‌دانند. عمق اندیشه، صلابت و استحکام کتاب‌های او در عین سادگی و روانی قلم و گفتار مثال‌زدنی است؛ از همه مهم‌تر، آشنایی و انس با آثار شهید مطهری، در کنار انتقال محتوای ناب، روش تفکر را به انسان می‌آموزد. در واقع، مطالعه آثار استاد مطهری به تدریج چهارچوب ذهنی منسجم و مستحکمی ایجاد می‌کند که هم از توازن و تعادل برخوردار است و هم پویایی لازم را دارد.



اگرچه بسیاری از آثار ایشان، با متنی روان نگاشته شده و نوجوانان معمولاً توان بهره‌گیری از آن را دارند، اما خوب است برای تثبیت اندیشه، این مطالعات به صورت منظم و جمعی انجام شود. پیشنهاد می‌شود بعد از تشکیل گروه مطالعاتی و تعیین استاد، برنامه زمان‌بندی شده‌ای تعیین شود و میزان حجمی که در هر هفته، از هر کدام از کتاب‌ها باید مورد خوانش قرار گیرد، مشخص شود؛

سپس، اعضاء پس از مطالعه میزان مشخص شده صفحات، آنچه خوانده‌اند را در گروه به اشتراک بگذارند و مباحثه کنند تا معلوم شود همه افراد فهم مشترک و صحیحی از خوانده‌هایشان به دست آورده‌اند. در نهایت، استادی که دارای تسلط در این رشته است به عمق بخشیدن و نظام‌مند کردن این اندیشه‌ها و تمرین اندیشه‌ورزی نوجوانان کمک‌کند.

